

کی عروسک باز را جامه عروسی در خور است؟

«تأملی بر رویکرد متون ادبی - تاریخی دوره قاجار به پدیده کودک همسری» ندا سنبلی^۱، عباس قدیمی قیداری^۲

^۱دانشجوی دکتری رشته تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۲دانشیار گروه تاریخ، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

چکیده

پدیده‌ای که امروزه «کودک همسری» نامیده شده و از مسائل و آسیب‌های مهم اجتماعی و فرهنگی مربوط به زنان به شمار می‌رود، مسئله و موضوعی تاریخی است که در عصر قاجار در کشاکش سنت و تجدد، به تدریج به مسئله و موضوع مهمی، دست کم در میان اقشاری از جامعه ایران تبدیل شد. کودک همسری یا ازدواج دختران در سنین پایین علی‌رغم آن که پدیده‌ای مرسوم در ایران پیشامدرن بوده اما از دید بسیاری نیز این پدیده، آسیبی اجتماعی و پدیده‌ای قابل انتقاد تلقی شده است. در سکوت منابع تاریخ‌نگارانه، رسمی و حتی سیاسی در مواجهه با این مسئله، در متون ادبی که از منابع و سرچشمه‌های اصلی تاریخ اجتماعی ایران به شمار می‌رond این مسئله مهم دست‌مایه نقد اجتماعی قرار گرفته و به شکل قابل تأمل و توجهی در اشعار و نوشته‌های آن عصر، بازتاب یافته است. این مقاله با انکا به متون و منابع ادبی عصر قاجار و مشروطه و تحقیقات جدید، رویکرد متون به مسئله کودک همسری را به روش توصیفی تبیینی، تحلیل و بررسی کرده است.

کلیدواژه‌ها: قاجار، متون ادبی، کودک همسری، دختران، زنان، آسیب‌شناسی.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

E-mail: ghadimi.history@gmail.com

ارجاع به این مقاله: سنبلی، ندا، قدیمی، عباس، (۱۴۰۱)، کی عروسک باز را جامه عروسی در خور است؛ «تأملی بر رویکرد متون ادبی - تاریخی دوره قاجار به پدیده کودک همسری»، زبان و ادب فارسی (نشریه سایت دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز). DOI: 10.22034/PERLIT.2022.50607.3287

۱. مقدمه

پدیده موردنظری در این پژوهش یعنی کودک‌همسری، علل، آثار و نتایج آن که امروزه به عنوان یک مسئله اجتماعی در ربط با دختران و زنان مطرح شده است، پدیده‌ای مدرن و جدید نیست. این مسئله که امروزه جامعه‌شناسان و روانشناسان را متوجه خود کرده است، یک مسئله تاریخی است که می‌توان آن را موضوع یک پژوهش اصیل قرار داد. اصطلاح و مفهوم کودک‌همسری را می‌توان در توصیف یک وضعیت و پدیده‌ای که در مناسبات اجتماعی در ربط با دختران و مقوله ازدواج در میان طبقات مختلف جامعه ایران به اشکال مختلف وجود داشته به کار برد. این پدیده که امروزه از دید جامعه‌شناسان، روانشناسان، حقوق‌دانان و مدافعان حقوق زنان و کودکان بهشدت مورد نقد قرار گرفته است، در ادوار مختلف تاریخی و به‌طور مشخص در ایران پیشامدern با چنین نگاهی و رویکردی مواجه نبوده است و به دلایل مختلف می‌توان آن را امری مرسوم و رایج در مناسبات و نظام اجتماعی به شمار آورد که در بین قشرهای مختلف جامعه رایج بود. البته این را نباید به این معنا گرفت که کلیت جامعه ایرانی با آن موافق بوده و آن را تأیید می‌کرده است. هنگامی این پدیده، نگاههای متفاوت و انتقادی را به خود دید که در ذیل کشمکش سنت و تجدد، زن برای نخستین بار به عنوان یک عنصر مهم در جامعه به شمار آمد که نیازمند نگاه جدید و آموزش بود. در پی آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های جدید غربی برای نخستین بار روشنفکرانی چون آخوندزاده به زن به عنوان یک مسئله توجه کردند و به دنبال آن و به تدریج مسائلی در ذیل آن چون حقوق زنان، آموزش، خشونت، چندهمسری و کودک‌همسری مورد توجه روشنفکران و روزنامه‌های غیردولتی قرار گرفت. روشن است که توجه به مسائل زنان در تقابل با آموزه‌های سنتی ریشه‌داری قرار می‌گرفت که از سوی نهادها و شخصیت‌های قدرتمند مذهبی و سیاسی نیز حمایت می‌شد؛ اما مسائل زنان و به‌طور مشخص مسئله ازدواج زودهنگام در آثار سیاسی و ادبی عصر قاجار و مشروطه بازتاب یافت.

این مقاله پدیده کودک‌همسری را به عنوان یک مسئله تاریخی، در آثار ادبی این دوران به بررسی و مطالعه گذاشته است چراکه آثار و متون ادبی یکی از منابع مهم تاریخ اجتماعی ایران به شمار می‌روند. به همین جهت درصد است تا رویکرد صاحبان این آثار را به این پدیده که نویسنده‌گان، شاعران و متفکران نامداری هم بوده‌اند، کشف کند و چندوچون آن را به توصیف و تبیین بگذارد.

درباره پیشینه این تحقیق قابل ذکر است مطالعاتی که تاکنون صورت گرفته و ما بدانها دسترسی داشته‌ایم نشان می‌دهد که مقاله یا کتابی با موضوع پژوهش حاضر منتشر نشده است. یک مقاله با عنوان «بررسی جایگاه زنان در اشعار معجز شبستری و سید اشرف گیلانی» نوشته زیبا اسماعیلی (۱۴۰۰: ۵۲-۳۱) به صورت خلاصه و در کنار آموزش زنان، مشاغل زنان و سایر مسائل درنهایت به ازدواج آنان اشاره کرده و در ذیل آن نمونه‌ای آورده که به داشتن تناسب سنی بین زن و مرد اشاره دارد. سعید حاتمی و پروانه صفائی فهفرخ هم در مقاله «مقام زن در شعر لاهوتی، ایرج و عارف» در کنار سایر مسائل مربوط به زنان، به مسئله ازدواج نیز پرداخته‌اند (۱۳۹۱: ۸۰-۶۵؛ اما چنان‌که گفته شد پدیده کودک‌همسری در متون و آثار ادبی عصر قاجار موضوع هیچ پژوهشی نبوده است.

۲. بحثی در مفاهیم

۲.۱. کودک و کودک‌همسری

کودک‌همسری پدیده‌ای است فرهنگی و مقصود ما از کودک‌همسری بیشتر متوجه دختران کم‌سن‌وسال است. در تعریفی که یونیسف از کودک‌همسری ارائه کرده «به هر ازدواج رسمی یا غیررسمی بین یک کودک زیر ۱۸ سال و یک بزرگ‌سال یا کودک اطلاق می‌شود» (<https://www.unicef.org/protection/child-marriage>) به دلیل سن پایین هنوز از قوه تشخیص برخوردار نیست و به سبب غلبه فرهنگ پدرسالاری در جامعه ایرانی، درواقع انتخاب زوج توسط ولی و سرپرست انجام می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان گفت اگرچه ازدواج باید با رضایت طرفین و با توجه به علایق آن‌ها صورت گیرد اما در حقیقت در این نوع ازدواج نه تنها علایق و اولویت‌های دختر مدنظر قرار نمی‌گیرد بلکه از تمایل یا عدم تمایل وی به این امر نیز سؤال نمی‌شود. حتی آن‌گونه که مطالعات نشان می‌دهد دختر اطلاعی از مراسم ازدواجش ندارد و همسرش را قبل از ازدواج نمی‌بیند و تنها هنگامی که بر سر سفره عقد می‌نشینند داماد را می‌بینند. در بیشتر مواقع داماد کسی است که پدر خانواده و یا ولی او انتخاب کرده است و برای موجه و مشروع جلوه دادن عمل خود، از فتوا و اجازه علماء استفاده می‌کند (معجز شبستری، بی‌تا: ۷۹، ۱۷). این روش متناسب با سنت‌های جوامع پیشامدern بود. چراکه ویژگی غالب ازدواج در جوامع پیشاصنعتی عدم توجه به علایق شخصی زوجین و درواقع ازدواج پیمانی میان دو خانواده و دو دودمان بود (کرون، ۱۳۹۶: ۲۰۰).

در تعریف واژه «کودک» نهادها و قوانین مختلف تعاریف گوناگونی ارائه می‌دهند. واژه کودک معادل «طفل»، «رضیع»، «صغری» و «صبی» است (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶: ۳۶). علماء و فقهای اسلامی ادوار مرتبط با کودکی را به سه دوره تقسیم کرده‌اند: از ولادت تا هفت‌سالگی (صبی غیر ممیز)، از هفت‌سالگی تا ظهور بلوغ (صبی ممیز) و از سن بلوغ به بعد که شخص دارای مسئولیت کامل است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲: ۲۱)؛ بنابراین کودک در فقه به فردی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده باشد و قدرت تمیز نداشته باشد. تمیز قدرت تشخیص خوب از بد است (اسدی، ۱۳۸۶: ۷). همچنین آن را مترادف صغیر و بلوغ را معیاری برای سنجش کودکی برمی‌شمارند. برخی دیگر نیز رشد عقلی را مرز میان کودکی و غیر آن می‌دانند (همو: ۳۶). به استناد ادلہ فقهی همچون آیه ۶۷ سوره غافر^۱، به شخص از زمان بسته شدن نطفه و استقرار آن در رحم مادر تا زمانی که به حد بلوغ برسد، «کودک» اطلاق می‌شود؛ اما بلوغ که بلوغ نکاح را در برمی‌گیرد در کتب تفسیری به سنی اطلاق می‌شود که استعداد و آمادگی ازدواج در فرد حاصل می‌شود (شکری، ۱۳۸۷: ۱۳۳). در اصطلاح حقوقی، کودک یا صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن برای زندگی اجتماعی به نمو جسمی و روحی لازم نرسیده باشد. از نظر حقوقی نیز دوران کودکی با تولد آغاز می‌شود (عبدی، ۱۳۹۲: ۵-۶). پایان دوره کودکی طبق تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی ایران که تحت تأثیر مستقیم فقه امامیه است، سن بلوغ دانسته شده که در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است (عبدی، ۱۳۹۲: ۹؛ عباسی سرمدی و زنگی اهرمی، ۱۳۹۴: ۲۸).

در جامعه‌شناسی در تعریف کودکی، اشتراک نظری وجود ندارد و درنتیجه، تلاش‌ها برای فراهم آوردن برداشتی از کودکان و دوران کودکی در جوامع مختلف با مشکلات بسیاری روبرو بوده است (شبانی، ۱۳۹۶: ۴۰). این امر از آنجا ناشی می‌شود که دوران زندگی انسان‌ها را به نوزادی، کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و پیری تقسیم می‌کنند؛ اما می‌توان گفت برای کسانی که در جوامع امروزی زندگی می‌کنند، کودکی یک مرحله آشکار و مشخص از زندگی است که با دوره نوزادی و نوباوگی متمایز است. در حقیقت کودکی مرحله مابین طفولیت و نوجوانی است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۱۰). از نظر روان‌شناسان دوران کودکی به سه دوره تقسیم می‌شود دوران کودکی از بدو تولد تا ۶ سالگی، دوران بچگی از ۶ تا ۱۲ سالگی و دوران بلوغ از ۱۲ تا ۱۸ سالگی (شريعتمداری، ۱۳۷۵: ۱۱۵). کنوانسیون حقوق کودکان «به هر انسان زیر هجده سال

کودک اطلاق» می‌کند، «مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ زودتر حاصل شده باشد» (20november 1989) ((un.org))

۲. کودک و کودک همسری در دوره قاجار

گفتیم که توافقی بر سر سن کودکی وجود ندارد. در بررسی دوران کودکی از منظر تاریخی نیز همین آشتگی به چشم می‌خورد. در حقیقت اولین پژوهش‌ها در حوزه تاریخ کودکی در سال ۱۹۶۰م. / ۱۳۴۹ توسط فلیپ آریه مورخ فرانسوی صورت گرفت. به عقیده او در کتاب کودکان و زندگی خانوادگی در دوران باستان «کودکی زایده دوران مدرن است و قبل از آن کودکان جز بزرگ سالانی کوچک نبودند» (رحمانیان و حاتمی، ۱۳۹۳: ۶۲). آن‌گونه که استیرنس اشاره می‌کند دوران کودکی از یک جامعه به جامعه دیگر و از یک دوره زمانی به دوره‌ای دیگر متفاوت است (استیرنس، ۱۳۸۸: ۱۲). در ایران عدم بیان محدوده سن کودکی و سن ازدواج تا دوره قاجار و آشنازی با غرب و ورود مؤلفه‌های مدرنیته ادامه داشت و تعریف پذیرفته شده، تفسیر علمای دینی بود که عرف عامه نیز مطابق آن عمل می‌کرد. طبق آن پایان سن کودکی در دختران نه سال و در پسران ۱۵ سال بود و زیر این سن صغیر به شمار می‌آمدند. تعریف سال‌شمار از کودکی سبب می‌شد که دوران کودکی دختران کمتر از پسران باشد (حاتمی، ۱۳۹۷: ۱۴-۱۵). نکته قابل توجه دیگر آن بود که با ورود دختران به نهالگی از لحاظ شرعی پذیرفته شده بود که وی را به مردی با هر سن و سالی شوهر داد. سرپرست خانواده نیز از آن‌جهت که «از حق منحصر به فرد و بی‌چون و چرا بی برخوردار بود»، اجراینده اصلی آن بود. بررسی‌های انجام شده در زمینه حدود سن کودکی و ازدواج در متون ادبی دوره قاجار نشان می‌دهد که آن‌ها نیز به آشتگی متون تاریخی دچارند. در ادامه به بررسی متون ادبی سیاسی و اجتماعی می‌پردازیم تا محدوده سنی کودکی و ازدواج را از نگاه آنان به دست دهیم.

آفاخان کرمانی و شیخ احمد روحی در هشت‌بهشت حد بلوغ و تکلیف زن و مرد را «عدد هو» نوشته‌اند که یازده سالگی است (کرمانی، ۱۴۰۲: ۲۰۰). طالبوف در کتاب مسائل الحیات، هنگامی که در باب حق صحبت می‌کند از حدود سنی نامبرده که به ما در تعیین سن کودکی کمک می‌رساند: «حق از روز تولد تا هنگام وفات با خود آدم تولید و ... بدیهی است حق طفل رضیع فقط شیر خواستن و طفل پنج ساله، غذا خواستن و هیجده ساله تبعیت جمیع احکام شرع قانون

در صورت تمدّد، مستوجب تنبیه است» (طالبوف، ۱۳۲۴: ۷۳-۷۴). از این نوشه استنباط می‌شود که از دید طالبوف سنین کودکی حداصل تولد تا هیجده سالگی شمرده می‌شد. اعتضام‌الملک در تربیت نسوان که در سال ۱۳۱۸ق. نوشته است، در بیان تحصیل دختران سنی ارائه می‌کند که با توجه به آن می‌توان به این نتیجه رسید که در آن زمان ده‌سالگی سن آموزش دختران به شمار می‌آمده؛ هرچند پیش از آن برای مثال هشت‌سالگی را سن ازدواج دانسته‌اند. «یاد دارم، پدری را با دختری ده‌ساله که جمالی به کمال داشت، بدیدم؛ و از پدر درخواست کردم که دختر خویش به مدرسه گذارد» (مستوفی، ۱۳۱۸: ۱۶). در کتاب *تأدیب النسوان* که متعلق به دوران ناصری است، آمده است: «طفلی که تا ده‌سالگی در دامان مادری نادان تربیت یافته و لوح مغزش مطالب ناصحیح محکوم گردیده،...» شاید بتوان این گونه استنباط کرد که سن کودکی را تا ده‌سالگی می‌دانستند (کراجچی، ۱۳۹۵: ۱۷۷).

نجم‌الدوله در سه سفرنامه و در ذیل بررسی تعداد نفوس دارالخلافه، مرحله کودکی را از جوانی جدا کرده می‌نویسد: «پنجم عدد اطفال شیرخوار تا پنج‌ساله از ذکور و اناث، ششم عدد جوانانی که از پنج سال بزرگ‌تر باشند تا پانزده سال از ذکور و اناث» (نجم‌الدوله، ۱۳۸۴: ۱۵۴) او سن جوانی را از پنج‌سالگی تا پانزده‌سالگی دانسته است. علی‌اکبر صابر نیز در *هوپ‌هوب‌نامه* و در شعر «بختیار» پانزده‌سالگی را سن جوانی پسر معرفی کرده و به احتمال زیاد قبل از آن را کودکی به شمار آورده است (صابر، ۱۹۷۷: ۱۴۶). در احصایهای باقی‌مانده از دوره قاجار، در خصوص مالیات پرداختی آمده است: «هر رعیتی که زن ندارد و از سن ۱۵ سال که گذشت باید سالی ۵ ریال پردازد» (سعدوندیان، ۱۳۷۹: ۱۵۹). از این نوشه می‌توان چنین برآورد کرد که سن رجولیت برای پسران ۱۵ سال بوده است. می‌توان چنین برداشت کرد که دختران پایین‌تر از این سن بالغ شمرده می‌شدند. درباره سن بلوغ و ازدواج، سید اشرف قزوینی شعری دارد با عنوان «عاشق بی‌پول» در این شعر سن دختری را که برای ازدواج مناسب بوده، چهارده سال ذکر کرده است؛ از این امر می‌توان نتیجه گرفت که در دوره او سن مناسب ازدواج برای دختران ۱۴ سالگی بوده است (قزوینی، ۹۳: ۱۳۳۸). عارف قزوینی در توضیح طایفه مرااغه‌ای‌های قزوین می‌نویسد: آن‌ها بلوغ را برای پسران هیجده و برای دختران پانزده می‌دانند (عارف قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۳۳). این سن در اوایل دوره قاجار بر اساس آنچه در کتاب سرگذشت حاجی‌بابا اصفهانی آمده، پایین‌تر است. نویسنده

اشارة کرده که پدرش در سن هفده سالگی ازدواج کرده است (موریه، ۱۳۵۴: ۲۸). اگر سن ازدواج پسران هفده سالگی باشد می‌توان گفت سن ازدواج دختران مسلمًاً کمتر بوده است.

با توجه به این که در چهارده دوره سرشماری از نفووس شهر طهران که تا قبل از سال ۱۳۱۱ ش.

صورت گرفته (سعدوندیان، ۱۳۸۰: ۳۳۱) هیچ اشاره‌ای به سن دقیق کودکی نشده است، پس تمام آنچه ما از سن کودکی در دوره قاجار داریم محدود به اشاراتی جسته و گریخته است که در لابه‌لای متون ادبی و سیاسی به یادگار مانده است.

در تحلیل این داده‌ها می‌توان گفت هم‌زمان با ورود مؤلفه‌های جدید فرهنگی و آشنایی با غرب و گذار از دنیای سنت و ورود به دنیای مدرن در محدوده سن کودکی و سن ازدواج تغییراتی ایجاد شد و از اوایل دوره قاجار سن کودکی و سن ازدواج افزایش یافت. هرچند این امر بیشتر در بین طبقات فرادست دیده می‌شود تا مردم عادی و طبقه فرودست. همان‌گونه که اشاره کردیم سن ازدواج در دوره قاجار بسیار پایین بود. دختران اغلب در سن هفت تا سیزده سالگی ازدواج می‌کردند و سعادتمندترین دختران، آن‌هایی بودند که در خانه شوهر به بلوغ می‌رسیدند (دلیش، ۱۳۷۵: ۲۲) و بسیاری ازدواج‌ها حتی پیش از سن بلوغ انجام می‌شد (دروویل، ۱۳۸۷: ۷۲؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۱۴۱؛ بروگش، ۱۳۸۹: ۲۰۰؛ ۵۵۵-۲۰۰؛ ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۱۲؛ تاج‌السلطنه، ۱۳۶۱: ۲۶؛ فوروکاو، ۱۳۸۴: ۱۹۶؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۵۲؛ رایس، ۱۳۸۳: ۲۵۲؛ ۱۰۲). این امر در پیش از دوره قاجار و در دوره صفویه نیز وجود داشته است (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۴/۱؛ تکتاندرن، ۱۳۵۱: ۳۴؛ تاورنیه، ۱۳۸۳: ۳۱۵؛ جملی کارری، ۱۳۸۳: ۱۵۵). ناگفته نماند که این مسئله تنها به ایران محدود نبوده و در کشورهای دیگر نیز وجود داشته از جمله در عثمانی نیز این رسم وجود داشته چنان‌که نمونه آن در کتاب سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی خواندنی است (موریه، ۱۳۵۴: ۶۴۷).

۳. بحث و تحلیل

از آنجاکه منابع تاریخی دوره قاجار به دلیل غلبه نگاه سیاسی و مردانه رانه توجهی به زنان و مسائل آنان نداشته‌اند، ناگزیر برای ارائه تصویری از زن ایرانی و به‌ویژه در بررسی پدیده کودک همسری که در آن کودکان به‌طور ناگهانی وارد دنیای بزرگ‌سالی می‌شوند و شناخت مسائل و مشکلاتی که با آن مواجهه‌اند، نیازمند مطالعات دقیق در متون ادبی هستیم. در ادامه رویکرد متون ادبی سیاسی به کودک همسری و عوامل و پیامدهایی را که متون ادبی برای این پدیده بیان کرده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی فرهنگی

مطالعات نشان می‌دهد ازدواج کودکان ریشه در شیوه‌های اجتماعی فرهنگی و باورهای مذهبی در بسیاری از جوامع دارد، اما فراتر از حقایق تلطیف شده، روابط بین مذهب و ازدواج کودکان پیچیده است و بسته به جامعه تغییر می‌کند (parsons and others, 2015: 13). ارزش‌های اجتماعی شامل سنت‌ها، آداب و رسوم حاکم بر جامعه می‌شود. ما در اینجا سنت‌ها و باورهای مذهبی را از یکدیگر جدا کرده‌ایم؛ اگرچه عقیده بر آن است که در برخی مسائل هم پوشانی دارند اما نویسنده‌گان مقاله به جدایی سنت و باورهای مذهبی معتقدند.

۳.۱. فقدان استقلال و انفعال دختران در ازدواج

آنچه از متون ادبی به دست می‌آید نشان می‌دهد یکی از سنت‌های رایج با گستردگی زیاد و ریشه‌دار در جامعه دوره قاجار عدم دخالت دختران در امر ازدواج و عدم ملاقات (هم برای پسر و هم برای دختر) بود. ازدواج اگرچه می‌بایست امری شخصی تلقی می‌شد اما امری خانوادگی بود و این خانواده‌ها و بیشتر پدرها بودند که تصمیم گیرندگان اصلی بودند. این امر سبب می‌شد که زنان و دختران، حتی در صورت عدم رضایت، در امر ازدواج دخالتی نداشته باشند. در این ازدواج‌های اجباری، پدر و مادر و سایر بزرگ‌ترها، دختر را با اجبار و فشار به همسری مردی همسن‌وسال پدربرگش درمی‌آورندند این در حالی بود که دختر هنوز نمی‌دانست چه اتفاقی برایش افتاده است.

فتحعلی آخوندزاده (۱۲۹۵/۱۸۷۸-۱۲۲۸/۱۸۱۲) روشنفکر و منتقد سیاست و ادبیات عصر قاجار در تمثیلاتش که شامل شش نمایشنامه و یک داستان است و به مسائل اجتماعی و بهخصوص به مسئله زنان توجه ویژه‌ای دارد، به این مسئله نیز پرداخته است. یکی از مسائلی که در این نمایشنامه‌ها مورد توجه قرار گرفته مسئله ازدواج اجباری و عدم دخالت دختران در ازدواج است. آخوندزاده در «حکایت خرس قول‌درباسان (ذذافکن)» (۱۲۶۸ق.) به انتقاد از این امر می‌پردازد. پریزاد دختر داستان آخوندزاده پدرش فوت کرده و عمویش برای تصاحب گله‌های پدر پریزاد، می‌خواهد او را برای پسر خود عقد کند؛ اما پریزاد شخص دیگری را دوست دارد ولی نمی‌تواند بازگو کند و با گفتن این که «اختیار هر دو (خود و مادرش) در دست عموم هست» تسلیم شده اما درنهایت او با شخصی که دوست دارد ازدواج می‌کند (آخوندزاده، ۱۳۵۶: ۹۲). همچنین در همین

داستان آورده است که کسی به میل دختر توجه ندارد و خواهش او اثری ندارد؛ «از اول کمی آخ و اوخ می‌نماید و بعد ناچار شده تن به قضا می‌دهد» (همو: ۹۸-۹۷). این مسئله در نگاه آخوندزاده اهمیت زیادی داشته زیرا در سایر نمایشنامه‌ها از جمله «وکلای مرافعه» نیز به این مطلب اشاره دارد و در طی داستان می‌خواهد خواننده را به این امر آگاه سازد که دختران باید در امر ازدواج اختیار و دخالت داشته باشند. آنجا که دختر داستان، «سکینه خانم»، می‌گوید: «حالا که برادرش مرده اختیارش به دست خودش است» (همو: ۲۵۲). در همین داستان «سکینه خانم» بار دیگر به عمه‌اش که می‌خواهد او را به همسری آقا حسن که مرد تاجر متولی است درآورد، می‌گوید که اختیارش با خودش است. همچنین موضوع دیگری که در این قسمت از نمایشنامه مورد توجه قرار گرفته اشاره به اعتقاد عمومی است که لزومی بر دخالت دختران در ازدواج نیست و دیگران تصمیم می‌گرفتند که او با چه کسی ازدواج کند.

«عمه، من کی به تو اذن دادم مرا به آقا حسن شوهر بکنی، من حالا دیگر نه پدر دارم نه برادر، خودم وکیل خودمم... عمه: خجالت بکش به تو چه! برای تو شوهر لازم است. به هر کی می‌دهند تو هم می‌روی. دختربچه زیبینه نیست پیش بزرگشان همچو حرف بزنند قباحت دارد» (همو: ۲۵۶). نکته‌ای که در پایان صحبت عمه آمده این است که سکینه را دختربچه خطاب می‌کند در حالی که می‌خواهد او را به ازدواج مردی بسیار بزرگ‌تر از خودش درآورد. سکینه خانم ادامه می‌دهد که «دیگر اختیار خودم را از دست نمی‌دهم هیچ کس نمی‌تواند مرا به شوهر بدهد» (همو: ۲۵۷).

میرزا علی‌اکبر طاهرزاده صابر «شاعر بزرگ ملی آذربایجان قفقاز، سراینده فکاهیات اجتماعی انقلابی و همکار دائمی روزنامه ملا‌نصرالدین» (آرین پور، ۱۳۷۲: ۴۶/۲) در هوپ‌هوپ‌نامه شعری دارد که از سنت ازدواج دختران انتقاد می‌کند. شعر از زبان دختربچه‌ای است که بعد از دیدن به اصطلاح شوهرش تمایلی به زندگی با وی ندارد:

خاندوستی! امان، نذار که آمد!
هست آفت جان، نذار که آمد!...
در عقد شرم کردم آخر، گفتید پسر است، گشت باور.
حالا دیدم که چیست شوهر...
گوشتش بدنم تکید از ترس،

خون از دل من چکید از ترس، ...
 دارد به سرش کلاه گنده، ابروش سفیده و بلنده،
 هم سن پدر بزرگ‌گ بنده
 غول است امان ندار که آمد، ...
 وحشت کنم اوست دیومنظر ... (صابر، ۱۹۷۷: ۱۶۴-۱۶۳).

آنچه از این شعر به دست می‌آید شامل بی‌اطلاعی دختران از ازدواج تا زمان عقد، عدم ملاقات با خواستگار پیش از ازدواج و تأثیرات روحی و روانی این‌گونه ازدواج‌هاست.
 گاهی عروس به اندازه‌ای کم‌سن‌وسال بود که برای قانع کردن او از «نخود کشمش» استفاده می‌کردند. چنانچه معجز شبستری در شعرش سعی کرده با استفاده از عباراتی نشان دهد که عروس سن بسیار کمی داشته است که برای راضی کردنش از وعده‌های کودکانه استفاده می‌کردند.

قیزی قوچاقه آلب قیننه دیبه رکش کش
 و دولدوروب جیبینه بالدیزی نخود کشمش
 نه کش کشه، نه نخود کیشمشه باخیر بی‌فهم
 آیاقلارین یره تاپدیر دییر که من گیدیرم!

نکته قابل تأمل در اشعار معجز شبستری این است که از دید او مادران تأثیر زیادی در ازدواج دختران در سنین پایین داشته‌اند (معجز شبستری، بی‌تا: ۷۹-۷۸).
 ایرج میرزا (۱۲۹۱ق.-۱۳۴۴ق.) نیز از جمله کسانی است که به این سنت که دختر و

پسر قبل از ازدواج یکدیگر را نمی‌دیدند انتقاد می‌کند و در پوششی از طنز این‌گونه ازدواج‌ها را به خوبی و هندوانه تشبیه کرده و معتقد است که طرفین باید قبل از ازدواج با یکدیگر ملاقات داشته باشند.

از این عقد و نکاح چشم بسته بری، نـآزموده خـوی او را دـگر بسته به اقبال است و طالع خـریداری کـنی خـربـوزـهـ کـال نـدانـستـهـ کـهـ شـیرـینـ استـ یـانـه	خـدـایـاـ کـیـ شـونـدـ اـیـنـ خـلـقـ خـسـتـه بـگـیرـیـ زـنـ نـدـیـدـهـ روـیـ اوـ رـا چـوـ عـصـمـتـ باـشـدـ اـزـ دـیدـارـ مـانـعـ بـدانـ صـورـتـ کـهـ بـاـ تـعـرـيـفـ بـقـالـ وـ یـادـ درـ خـانـهـ آـرـیـ هـنـدوـانـهـ
---	---

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۸۵)

عالمتاج قائم مقامی متخلص به ژاله (۱۳۰۱ق- ۱۳۲۶ش). از شاعران دوره قاجار و پهلوی از دیگر روشنفکران ادبی است که به این مسئله اعتراض کرده و در شعری که بیانگر زندگی خود اوست به انتقاد از آن پرداخته است. از آنجهت که ژاله نیز در ۱۵ سالگی بدون این که اطلاع و دخالتی داشته باشد به ازدواج مردی ۴۳ ساله که دوست پدرش بود درمی آید (قائم مقامی، ۱۳۷۴: ۵-۶). او از این ازدواج رضایتی نداشت.

هم مرا هنگام خطبه عقد رو با روی خویش
دختری هر هفت کرده بی خبر از پنج حس
یافته بر سفره‌ای دختر ربا ای آینه
دیده اندر چهارسو رنج و بلا ای آینه (همو: ۱۰۲).

ژاله اشاره ظرفی دارد به این که این گونه ازدواج‌ها در حقیقت رباينده دختر بچگی هستند. او همچنین به مخالفت با ازدواج اجباری و در زمان نابالغی پرداخته و در شعر «چه می‌شد» به انتقاد از این گونه ازدواج‌ها پرداخته است.

چه می‌شد آخر ای مادر، اگر شوهر نمی‌کردم گفتار بلا خود را چه می‌شد گر نمی‌کردم (همو: ۳۶-۳۷).

ژاله معتقد است که در آن سن باید وقتی را صرف یادگیری علم می‌کرد. همچنین در جای دیگری اشاره می‌کند که دختران مردی که با او ازدواج کرده از او بزرگ‌تر بوده‌اند: دخترانش ز من بزرگ ترند بمگو شکوه بی سبب دارم (همو: ۱۲۷) آنچه از نوشه‌های بالا به دست می‌آید نشان می‌دهد که ادبیان و شاعران دوره قاجار و مشروطه خواستار اختیار دادن به دختران در امر ازدواج بوده‌اند. همچنین کسانی مانند آخوندزاده در تمثیلات بر این مسئله تأکید دارد که دختران باید خود نیز برای حل این مسئله و تغییر آن تلاش کند.

۳. کودک‌همسری و پیری زودرس

پیری زودرس زنان در ایران پدیده‌ای است که در متون و منابع به آن توجه شده است. در زنان ایرانی و به طور کلی زنان مشرق زمین، «طراوت و زیبایی جوانی حداکثر تا ۲۵ سالگی باقی است» (جونز، ۱۳۸۶؛ ۲۶۰؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۳۰۱). کدورت، کسالت روحی و از بین رفتن نشاط جوانی همگی از پیامدهای ازدواج در سنین پایین است که سفرنامه‌ها به آن‌ها اشاره کرده‌اند (دالمانی،

۱۳۳۵: ۲۵۳). در تأیید این امر مطالعات پژوهشکی نشان می‌دهند پایین بودن سن ازدواج در ایران و به دنبال آن زایمان، سبب «پیری قبل از موقع و بدقاویگی» در زنان می‌شده است (مستشفی، ۱۳۱۴: ۱۱). طبق مطالعات انجام شده می‌توان گفت پیری زودرس نه تنها نتیجه کودک‌همسری و ازدواج زودهنگام است بلکه علت ازدواج مجدد مردان و درنتیجه کودک‌همسری به شمار می‌رود؛ زیرا مردان یکی از علل ازدواج مجدد خود آن‌هم با دختران کم‌سن و سال را پیری زنانشان عنوان کرده‌اند. نمونه‌های مختلفی از این مسئله در متون این دوره وجود دارد. صابر این موضوع را چنین به نظم کشیده:

نگـهـنـدارـعـورـتـكـفـتـارـراـ
ولـشـبـكـنـنـكـبـتـاـدـبـارـراـ
عقدـبـكـنـيـكـبـتـدـلـدارـراـ (صابر، ۱۹۷۷: ۱۳۸).

در حقیقت پیر شدن زنان را یکی از دلایل ازدواج با دختران کم‌سن و سال دانسته است. علاوه بر این در شعر گاوور قیزی (دختر گبر، دختر بی‌دین و کافر) نیز آورده:
بیچاره و ذلیل شدم ملانصرالدین! کرده پکر، کلافه‌ام عورت- گاوور قیزی!...
زاییده چهار بچه، شده پیر و اکبری، کفتار پیر گشته و نکبت، گاوور قیزی! (همو: ۱۵۶)

سید اشرف‌الدین قزوینی (۱۲۸۷ق.- ۱۳۵۲ق.) معروف‌ترین و محبوب‌ترین شاعر عصر مشروطیت در شعری با مضمون مشورت گرفتن دوستش از او برای ازدواج، چنین می‌گوید:

بـسـوـدـعـمـرـمـنـاـزـهـفـتـادـاـفـزـونـ
بـفـرـمـماـزـنـبـگـيـرـمـيـاـنـگـيـرـمـ؟
مـرـاـبـاشـدـزـنـپـيـرـىـبـهـخـانـهـ
بـهـرـيـشـمـمـىـزـنـدـهـرـصـبـحـشـانـهـ
ولـیـمـیـگـیرـدـاـزـبـهـرـمـبـهـانـهـ (قزوینی، ۱۳۳۸: ۳۵-۳۶)

در این شعر پیری و بھانه‌گیری همسر دلیلی برای ازدواج مجدد آن‌هم با یک دختر جوان ذکر شده است. سید اشرف در جواب به طنز می‌گوید:

فالـتـوـخـوـبـآـمـدـهـدـنـبـالـكـنـ
رـوـبـهـسـوـىـخـانـهـدـلـالـهـكـنـ

فکر یکی دختر نه ساله کن» (همو: ۳۶)

در ادامه با اشاره به سن دوستش منتقد رفتار او در این سن و سال است:

عمر تو هفتاد بود در جهان
ارواح بابات تو جوانی جوان ...
پیر شدی پیر حیا کن حیا» (همانجا)

قروینی معتقد است که با کهولت سن دیگر وقت ازدواج مجدد، آن هم با دختری جوان نیست.

معجز شبستری نیز در اشعارش به این موضوع اشاره کرده است. وی در یکی از اشعارش می‌آورد چون جوانی تکذیبان به پایان رسیده به این فکر افتادم که با یک نونهال زندگی کنم (معجز شبستری، بی‌تا، ۱۶). انجام چنین کاری از نظر معجز شبستری از سر شهوت و زائل بودن عقل است. همچنین در شعر «عممه» (معجز شبستری، بی‌تا: ۲۰۸) از زبان زنی که شوهرش برای کار به استانبول رفته و به دلیل بسته شدن مرز هنوز برنگشته است، بیان می‌کند:

می‌دانم اگر آن بی‌وفا برگرد
می‌گوید تو پیر شدی و زن جوانی خواهد گرفت.

۳. پیشکش و نقش آن در عقد دختران کهنسن

پیشکش دادن به عاقد که اجازه عقد دختران خردسال را بدهد یکی از شگردها و راهکارهای به ازدواج درآوردن دختران خردسال بود که شعر و ادبی به آن توجه کرده‌اند. در برخی سفرنامه‌ها نیز به آن اشاره شده است که خانواده‌ها دختران خود را با دادن رشوه به عاقد قبل از سن بلوغ و در سن هفت‌سالگی به خانه شوهر می‌فرستاده‌اند (پولاک، ۱۴۱: ۱۴۵ تا ۱۴۶).

معجز شبستری در شعر «عاشق پریشان» نیز به این موضوع این بار از زبان زن داستان اشاره کرده و در پایان به شدت از این رسم که با رشوه جاری می‌شود انتقاد می‌کند (معجز شبستری، بی‌تا: ۲۰-۷۹؛ ر. ک به همو: ۱۹). در باب هفتم کتاب «کاداستره» نوشته اعتماد‌السلطنه که لغتی فرانسوی و به معنای «ممیزی املاک و اراضی و تخمین حاصل و تعداد نقوص آن و مأخذ مالیات» است، «در بیان تکالیف عمومیه پیش‌نمایان و رؤسای سایر ملل و کدخدايان محلات و ریش‌سفیدان و...» آمده که «هیچ پیش‌نمایی نباید بدون اجازه اداره تحریریه صیغه عقد دائمی یا صیغه‌ای که مدت آن زیاده از یک ماه باشد جاری نماید...». در فصل دوم همین باب نوشته شده که کدخدايان محلات در امر

مزاجت‌ها باید تحقیقات به عمل آورده؛ اگر مانع شرعی در پیش نباشد، اسم زوج و زوجه و پدر آن‌ها را یا عدد عمومی دفتر آن‌ها نوشه به مهر رسمی محله مختوم نموده، به داماد یا وکیل او داده که به اداره تحریریه برساند و اجازه‌نامه بگیرد» (سعدوندیان، ۱۳۷۹: ۱۲۵). با این حال می‌بینیم که با رشوه و پیشکش دختران خردسال را بزرگ‌سال جلوه می‌دادند تا بتوانند آن‌ها را به ازدواج درآورند.

۳.۴. تعدد زوجات و کودک‌همسری

در بیشتر منابع دوره قاجار اشاره شده است که ایرانیان مانند سایر اهالی مشرق زمین همسران متعددی می‌گیرند و تعدد زوجات در بین آن‌ها رواج کامل دارد (دروویل، ۱۳۸۷: ۷۱؛ اورسل، ۱۳۸۲: ۳۱۶؛ پاتینجر، ۱۳۸۴: ۶۵-۶۶). ملکم نیز در این باره می‌نویسد: «هر کس به اقتضای معیشت، هرقدر که بخواهد می‌تواند» (ملکم، ۱۳۸۰: ۸۴۰). درنتیجه وجود انواع ازدواج‌ها در ایران از عقد دائم که معمول‌ترین نوع آن بود، تا ازدواج موقت و صیغه سبب ایجاد حرم‌سراهای کوچک و بزرگ می‌شد که مربوط به طبقات مرفه بود. رواج این امر در بین طبقات فروdest از نظر محققان برای دست یافتن به نیروی کار ارزان از طریق افزایش فرزندان بوده است (عاملی رضایی، ۱۳۸۹: ۲۹). چند‌همسری از آن‌جهت که در نظر نویسنده‌گان این مقاله یکی از عوامل اساسی کودک‌همسری شمرده می‌شود نیز مورد بررسی قرار گرفته است. متون ادبی نیز بر این مدعای صحه می‌گذارند. آنچه از بررسی متون ادبی دوره قاجار به دست آمده، نشان می‌دهد تعدد زوجات به عنوان یک رسم و سنت متداول و رایج در آن دوره وجود داشته است و متون ادبی به دیده انتقاد در آن نگریسته‌اند. اگرچه کودک‌همسری خود پیامد چند‌همسری است؛ چند‌همسری نیز دلایلی دارد که در متون ادبی و اشعار شعراء بازتاب یافته است.

آخوندزاده مترقبی‌ترین افکار را در حیطه آزادی زنان، الغای تعدد زوجات و برابری حقوق اجتماعی زن و مرد داشت (آدمیت، ۱۳۴۹: ۱۴۳). او درباره مسئله تعدد زوجات نوشه است: «خردمدان جهان، زنان را در جمیع حقوق بشریت و آزادیت با مردان شریک شمرده‌اند... و اگر فی مابین حکما مسئله مساوات حقوقیه ذکوراً و اثناً مجمع‌علیه است، کثرت زوجات منافی مسئله مساوات است.» او همچنین عقیده داشت کثرت زوجات باید منسوخ شود و «تزویج منحصر به وحدت زوجه بکنند» (آخوندزاده، ۱۳۹۹: ۱۷۷). در مقایسه بین ایران و جامعه جهانی از نگاه او این مسئله از آنجاکه منافی مسئله مساوات است باید صورت بگیرد.

طالبوف نیز در مسالک‌المحسنین به نقد تعدد زوجات و چند همسری بهویژه در بین پادشاهان پرداخته است. آنجا که پادشاه ایران از سفیر انگلیس می‌پرسد «پادشاه شما چند زن دارد؟» و او پاسخ می‌دهد که «در انگلستان پادشاه فقط باید یک ملکه داشته باشد. تعدد ازواج از طرف مبعوثین ملت مجاز نیست» (طالبوف، بی‌تا: ۱۶۷). در حقیقت او از طریق مقایسه پادشاهان شرق و غرب به انتقاد از مسئله تعدد زوجات می‌پردازد.

از جمله کسانی که به این مسئله در جای جای اشعارش با نگاهی انتقادی و کنایی به آن پرداخته، صابر است. او این مسئله را در چند شعر خود بیان کرده است. در شعر «نصیحت ننه پیره به دخترها» از زبان پیرزن این نکته را متذکر می‌شود که مردها معمولاً سه تا چهار زن می‌گیرند و نسبت به زنان و فادران نیستند:

غافل مشو از شوهر بدطینت و گوهر، گیرد سه زن و چهار...
وقتی که شدی پیر، بگیرد دگر عورت، وقت نگذارد» (صابر، ۱۹۷۷: ۴۵)
دهخدا نیز در «چرند و پرند» به انتقاد از این رسم پرداخته و در داستان «قند رون» که شرح ازدواج «آخوند ملا عباس» است، آورده:

«... غرور و جوانی حاجی شیخ و هفتصد هشتصد تومان شخصی و جهیز زن، حاجی آقا را به حال خود نگذاشت. حاجی آقا بعد از ده بیست روز یک زن محروم‌انه صیغه کرد. بعد از چند ماه هم یک زن دیگر عقد نمود. سر سال باز یک زن دیگر را آب توبه سرش ریخته متوجه نمود. الان حاجی آقا... چهار زن حلال خدایی دارد، گذشته از لفت‌ولیس‌هایی که در حجره رفقا می‌کند» (دهخدا، بی‌تا: ۱۱۲). شایان ذکر است که این موضوع را می‌توان در بحث علل اقتصادی تعدد زوجات نیز بررسی کرد.

ژاله در یکی از اشعار خود در نقد رسم تعدد زوجات به استناد به آیه قرآنی در سوره نساء سروده است:

آیت «مثنی ثلاث» ار هست و «إن خفتم» آیت لن تستطعوا نیز فرمان خداست (قائم مقامی،
ز پی ۱۳۷۴: ۶۴).

بنابراین ژاله با تأکید بر رعایت حقوق زنان، برقراری عدالت در رسم تعدد زوجات را امری محال می‌داند.

تحلیل متون ادبی دوره قاجار نشان می‌دهد مهم‌ترین علت کودک‌همسری از دید آن‌ها؛ ریشه‌دار بودن سنت در بین مردم بوده است. این در حالی است که امروزه شورای بین‌المللی پژوهش درباره زنان در سال ۲۰۱۰ اعلام کرد که کودک‌همسری یا ازدواج کودکان در مناطق و کشورهایی از جهان که فقیر هستند، رایج است و «حتی بدون این‌که سطح اقتصادی کشورها در سطح کلان را مدنظر قرار دهیم، در مناطقی متراکم است که خانواده‌های فقیر در آن سکونت دارند» (اسدپور و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۷۰-۱۷۱)؛ اما در دنیای سنت و در دوره گذار عوامل اجتماعی مهم‌ترین و بیشترین تأثیر را در این امر داشته‌اند.

۳.۵. اهداف و اغراض اقتصادی کودک‌همسری

اهداف اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل کودک‌همسری شمرده می‌شود. این اهداف ممکن بود از سوی هر دو خانواده مورد توجه قرار بگیرد. بعبارت دیگر ممکن بود که افراد مسن به دنبال دختران کم‌سن‌وسالی باشند که ارثیه زیادی به آن‌ها رسیده است یا بر عکس اجازه ازدواج دختری‌چه‌ای را با مردی مسن تنها به دلیل ثروتمند بودن صادر کنند. نمونه مورد اول در کتاب تمثیلات آخوندزاده آمده است. وی در داستان «وکلای مرافعه» اصلی‌ترین علت خواستگاری «آقا حسن» از «سکینه خانم» را ارثی می‌داند که از برادرش به او می‌رسد (آخوندزاده، ۱۳۵۶: ۲۵۹). از نمونه‌های دیگر که ثروت دختر سبب طمع افراد مسن بود، داستان «قند رون» دهخدا در چرند و پرند است. حاجی آقا به همه دوستان و آشنایان سپرده بود که اگر «با کرۂ جمیله متموله‌ای» یافتند به او اطلاع دهند. پس از آن بقال محل دختر یتیمی را پیدا می‌کند که پدرش تاجر بوده و با وجود کمی سن خوشگل است و وصلت بدی نیست. «حاجی آقا دنبال مطلب را گرفت تا وقتی که دختر یازده‌ساله را با پانصد تومان جهاز به خانه آورد» (دهخدا، بی‌تا: ۱۱۲). مورد غالب یعنی ازدواج دختری‌چه با مردی مسن تنها به دلیل ثروتمند بودن او، در شعر معجز بازتاب یافته است. او به دختران گوش زد می‌کند که فریب ثروت آن اشخاص را نخورند. او زندگی با یک فرد مسن را مانند مرگ خیلی تلخ می‌داند.

جلال سلطنت آلداتاماسین سنی ای قیز

ئولوم کیمی آجیدر آغ ساقالیلن یاشاماق

(معجز شبستری، بی‌تا، ۱۶).

شواهد تاریخی گواهی می‌دهند که این امر نه تنها در بین خانواده‌های فقیر بلکه در طبقات ثروتمند نیز رایج بوده است. از نمونه‌های آن ازدواج دختر دوازده ساله فروغ‌الدوله (ملکه ایران) با پسر قوام‌الدوله می‌باشد که «پنج شش همسر و پنج شش فرزند بزرگ» داشته است. اعتمادالسلطنه علت آن را «پول زیاد و آسودگی خیال» می‌داند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۱۰۴۷). این امر در خانواده‌های دیگر شکل دیگری داشت. چون خانواده‌ها از عهده هزینه‌های فرزندان برنمی‌آمدند به این فکر می‌افتدند که دختران را به افراد ثروتمند در هر سن و سالی که باشد به همسری دهند. سید اشرف‌الدین فروینی نیز به این مسئله در شعرش توجه دارد. برای نمونه در «فخریه یک پیرمرد ثروتمند» علت گرفتن همسر زیاد را ثروت او دانسته است (فروینی، ۱۳۳۸: ۱۶۹). این امر از چشم و انتقاد معجز شبستری دور نمانده است.

تابه کی به خاطر تکه‌ای نان دختر اسیر این و آن شود (معجز شبستری، بی‌تا: ۶۹).

میرزاده عشقی از جمله کسانی است که در عصر مشروطه به دفاع از حقوق زنان پرداخته و با جمیعت نسوان وطن‌خواه نیز ارتباط داشته است. او در اشعاری چون «احتیاج» به موضوع فقر و تأثیر آن در ازدواج‌های نامناسب پرداخته و با آن مخالفت کرده است.

عاقبت هیزم‌فروش پیر سرتاپا پلید
کن زغال کنده دایم دم زدی، وز چوب بید
از میان دکه، کیسه کیسه، زر بیرون کشید
مادرش را دید و دختر را، به‌зорزور خرید
احتیاج آمیخت با موی سیه، ریش‌سفید
از تو شد این نامناسب ازدواج!
احتیاج ای احتیاج!» (عشقی، ۱۳۵۷: ۳۰۴)

اهداف و اغراض اقتصادی پس از سنت و رسوم ریشه‌دار در بین مردم از عوامل مهمی است که سبب کودک‌همسری می‌شود. بررسی اهداف و اغراض اقتصادی نشان می‌دهد که این امر در بین طبقات فرادست و فروdest اجتماع کارکرد متفاوتی داشته است. در طبقات فروdest بیشتر دختران در فقر اقتصادی قرار دارند و خانواده‌ها برای گرفتن شیربها آنان را به ازدواج افراد مسن در می‌آورند. در حالی که در طبقات فرادست هر دو خانواده ثروتمند می‌باشند. درنتیجه این گونه ازدواج‌ها حاصل درهم آمیختن اهداف اقتصادی و سیاسی است.

۳. «وصلتم وصلتی سیاسی بود»؛ اهداف و اغراض سیاسی کودک‌همسری

یکی دیگر از علت‌هایی که در بروز پدیده کودک‌همسری در دوره قاجار نقش داشت به ازدواج درآوردن دختران کم‌سن‌وسال برای کسب مقام و جایگاه بالاتر بود که اغلب به اجراء صورت می‌گرفت. این امر در «سرگذشت وزیر خان لنکران (۱۲۶۸ق.)» مشهود است. خان لنکران دریی آن است که به خاطر پایداری عزت و اعتبارش نسا، خواهر همسرش شعله را به ازدواج خانی مسن درآورد (آخوندزاده، ۱۳۵۶: ۴۸-۴۹). در جای دیگر از زبان خان می‌گوید: «شعله! می‌دانی خواهر تو را که به خان بدھیم درجه من، رتبه تو، چقدر زیادتر خواهد شد» (آخوندزاده، ۱۳۵۶: ۷۶-۷۷). از سوی دیگر می‌توان این داستان را نمونه‌ای از بی‌ارادگی دختران در امر ازدواج نیز به شمار آورد.

از نمونه‌های دیگر ازدواج عالم‌تاج قائم‌مقامی شاعر دوره قاجار و پهلوی است که از مدافعان اصلی حقوق زنان بود. او در سال ۱۳۰۱ق. به دنیا آمد و در ۱۵ سالگی با یکی از دوستان پدرش که چهل و اندی سن داشت ازدواج کرد. به گفته خودش این یک ازدواج سیاسی بود و او وجه المصالحه گرفتاری‌های پدرش شد (قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۵-۶).

وصلتم وصلتی سیاسی بود
وین سیاست ز مام و اب دارم (همان: ۱۲۶)

همان‌گونه که در اهداف اقتصادی نیز بیان شد معمولاً در ازدواج‌های طبقات فرادست اهداف اقتصادی و سیاسی با هم می‌آمیختند. در اینجا نیز بدین گونه است و همسر عالم‌تاج از خان‌های بزرگ‌ک‌لر بود. این مسئله هم از لحاظ سیاسی و هم اقتصادی اهمیت داشته است. عالم‌تاج نیز ازدواج زودهنگام دختران را به هر دلیل که باشد، اشتباه می‌داند و متقد آن است و آن را شرعی و صحیح نمی‌داند و مرد را محروم نمی‌شمارد.

آن که زن را بی‌رضای او به زور و زر خرید
هست نامحرم به معنی ور به صورت شوهر است...
دختر نه‌ساله شوهر را چه می‌داند که چیست
کی عروسک‌باز را جامه عروسی درخور است
(همان: ۱۱۳).

به اعتقاد او برای به ازدواج درآوردن دختران باید معیارهایی چون بلوغ جسمی، بلوغ فکری و عقلی او را در نظر گرفت.

۴. پیامدهای کودک‌همسری

پیامدهای کودک‌همسری نیز مورد توجه متون ادبی و نویسنده‌گان و شاعران فارسی بوده است. متون تاریخی، سفرنامه‌ها و خاطرات نیز به علل مشابه یا مختلفی از جمله رو به ضعف و نقص

گذاشتند نژاد، افزایش تعداد بیوهها و... اشاره کردند (ویشارد، ۱۳۹۳: ۲۵۵). در ادامه پیامدهای مورد توجه در متون ادبی مورد کنکاش قرار گرفته است:

۳.۷.۱. عدم تحصیل دختران و داشتن فرزندانی بی‌ساد

حقیقان معتقدند که «هنغارهای اجتماعی، انتظارات خانواده و در برخی موارد محدودیت‌های قانونی، دختران را مجبور می‌کند تا تحصیلات خود را پس از ازدواج پایان دهند. علاوه براین، اغلب از دختران انتظار می‌رود که وظایف خانگی و مسئولیت‌های خانوادگی را بر عهده بگیرند که می‌تواند حضور در مدرسه را غیرممکن کند. محدود کردن تحصیل دختران تأثیرات مدام العمر و بین نسلی بر پتانسیل درآمد و استقلال مالی زنان و همچنین بر سلامت و نتایج تحصیلی فرزندان آن‌ها دارد» (Parsons, 2015: 18-19; Arthur, 2018: 55).

چنان‌که مادر بی‌ساد فرزندان بی‌ساد خواهد داشت. همین موارد در بین متون تاریخی و ادبی نمایان است. وضعیت کلی آموزش دختران در آن دوره نشان می‌دهد که وضعیت آن‌ها نسبت به پسران بدتر بوده است. آن‌هم به آن دلیل که کار اصلی زن را تولیدمث و ازدواج دانسته، ساد را برای او لازم نمی‌دانستند. در مکتب‌خانه‌ها دختران را تا هفت‌سالگی می‌پذیرفتند. پس از آن‌اگر بخت با آن‌ها یار بود در مکتب‌هایی با مدیریت زنان درس می‌خوانندند (واتسن، ۱۳۴۰: صص ۲۰-۲۱). این امر در شعر اکثر شاعران و نویسنده‌گان این دوره نیز به چشم می‌خورد و آنان به وجود مادرانی که ساد داشته و تحصیل کرده باشند و اثراتی که بر فرزندان دارند، تأکید می‌کنند (معجز شیستری، بی‌تا: ۶۷؛ ملک‌الشعرای بهار، ۱۳۸۷: ۴۰۰؛ مستوفی، ۱۳۱۸: ۴۶). آخوندزاده از اولین کسانی است که به مسئله آموزش دختران و زنان توجه کرده بود. او معتقد بود که «در میان طوایف اسلامیه از ده هزار یک نفر صاحب ساد به هم نمی‌رسند و طایفه انانث بالمره از ساد بی‌بهروه می‌مانند» (آخوندزاده، ۱۳۵۱: ۱۷۶). در جای دیگر وقتی که از لزوم تغییر الفبا صحبت می‌کند می‌نویسد: «... خصوصاً طایفه انانث فقط به واسطه این خط جدید به تحصیل ساد توانایی خواهد داشت.» او همچنین در مکتوبات خود به این مسئله توجه کرده بود (همان: ۱۷۷).

صابر (۱۹۷۷: ۳۹۹) در شعر «مادر دانا و نادان» به این پیامدها پرداخته است.

مادر چو بود ز علم آگاه	فرزنده بمه معرفت برد راه
بر عکس بود چو این مراتب	مادر نبود به علم صاحب
فرزنده برد از او جهالت...	بی‌عقلی و مهملى، عطالت...

سید اشرف قزوینی (۱۳۳۸: ۷۸-۷۹) نیز در شعر «نصیحت یک خانم به دخترش» به علم آموزی

دختران توجه کرده و وضعیت آنها را با دختران کشورهای اروپایی مقایسه کرده بود:

اندر اروپا سریه سر	در علم و تحصیل هنر
زن افضل است و اقدم است	فرمود فخر کائنات
علم از برای مؤمنات	یار و رفیق و همدم است...

برای تشویق مردم به آموزش دختران آن را از توصیه‌های پیامبر می‌داند. همچنین در شعری دیگر به نام «فصل بهار» به علم آموزی دختران تأکید و آنان را نصیحت می‌کند (قزوینی، ۱۳۳۸: ۱۴۰). معجز شبستری در شعرش دعا می‌کند که خدایا از تو می‌خواهم دختر جاهل در جهان نماند. آنا جاهل، بالا جاهل، معاذ الله جهالتند گوروم یا رب جهاندا قالماسين ئولسىن ييله قىزلار

از نکات مورد توجه او تفاوت در ارزش اعمال در جامعه بوده است مثل این که یک دختر اگر قلیان بکشد هیچ کس کاری ندارد ولی اگر قلم به دست بگیرد هزار طعنه می‌زنند (معجز شبستری، بی‌تا: ۷۱). همین مضمون را در شعری دیگر این گونه بیان می‌کند که فرزند مادر جاهل بیسمارک نمی‌شود («جاهل آنانین بالاسی بیسمارک اولماز») و معتقد است زن در هر حالت باید علم بیاموزد (معجز شبستری، بی‌تا: ۱۵۰). وی در اشعار بسیاری به لزوم علم آموزی دختران تأکید دارد (همان: ۶۵، ۶۰، ۹۰، ۸۵). درنتیجه می‌توان گفت که به علت عدم رواج آموزش و ازدواج در سنین پایین بیشتر زنان و دختران از تحصیلات چندانی برخوردار نبودند.

۳.۲. ۲. پیامدهای جسمی و روحی روانی

آن گونه که از منابع تاریخی و پژوهشی به دست می‌آید احتمال بروز مشکلات روانی برای دختران در این گونه ازدواج‌ها بیشتر است. از جمله مشکلاتی که متون ادبی به آن‌ها اشاره دارند فرار از منزل، آسیب‌های جسمی (از آنجهت که ممکن است از همسران خود کتک بخورند) و آسیب‌های روانی‌ای همچون اضطراب و افسردگی است. از نظر روان‌شناسان و پژوهشکاران یکی دیگر از پیامدهای کودک‌همسری، بلوغ زودرس است که خود پیامدهای جبران‌ناپذیری به دنبال دارد (یعقوبی جویباری و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۵-۶۴)؛ اما آنچه در متون ادبی به عنوان پیامدهای جسمی و روانی کودک‌همسری به دست آمده در شعر «گلین» معجز شبستری دیده می‌شود. یکی از پیامدها

که معجز به آن اشاره کرده فرار دختران از خانه است؛ هنگامی که از فرار عروس کوچک داستان از خانه داماد با سر و پای برهنه می‌گوید که به خانه همسایه پدرش پناه برده است (معجز شبستری، بی‌تا: ۷۸).

از آسیب‌های روحی و جسمی که در همین شعر اشاره شده می‌توان به چهره بسیار پژمرده، چشمانی پف کرده و دل‌آزرده و غمگین عروس شعر معجز شبستری پس از فرار از خانه همسرش اشاره کرد.

گیدیب گتیردی قیزی لیک خیلی پژمرده
گوزی شیشوب، سارالوب عارضی، دل آزرده
یتیم لر بسوینین ایسب پریشان حال
قوچاقدیم، دیدیم: ای نونهال حزن و ملال

گفته‌های معجز نیز در علم پژوهشی مورد تأیید است که ازدواج دختران در سنین پایین سلامت روان را تهدید کرده و افسردگی و اختلالات اضطرابی را افزایش می‌دهد (لطفى، ۱۳۸۹: ۷۵)؛ مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶: ۴۶-۴۷). گزارش‌های ویشارد پژشك آمریکایی که بیست سال در ایران بوده است نیز بر همه این موارد صحه می‌گذارد: «من دختران کم‌سالی را که به بیمارستان می‌آورده‌اند، دیده‌ام که وقتی نام همسرانشان را می‌شنیدند، از ترس این که دوباره مجبور به زندگی با آن‌ها باشند از وحشت چنان فریاد می‌زدند که از خود بی‌خود می‌شدند» (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۵۵).

نتیجه‌گیری

حاصل پژوهش نشان می‌دهد که احتمالاً مسائل زنان در ایران تا پیش از دوره ناصری چندان اهمیتی نداشته و آن نیز به سبب نگاه مردسالارانه و تاریخ سیاسی و مذکر حاکم بوده است. در دوره ناصری و با گسترش ارتباطات با غرب و ورود مؤلفه‌های جدید فرهنگی، توجه به مسائل زنان نیز در برنامه فکری روشنفکران و از جمله روشنفکران ادبی قرار گرفت. این امر با وقوع مشروطه و باز شدن نسبی فضای سنت و آمادگی ذهنی جامعه، نمود بیشتری یافت و ادبیات ابزاری برای مبارزه و آگاهی شد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کودک‌همسری به عنوان بخشی از حقوق نادیده گرفته شده زنان برای روشنفکران ادبی اهمیت بسزایی یافت. چنان‌که نشان داده شد شاعران پیش رو آن عصر در بسیاری از اشعار خود به این مسئله، علل و نتایج آن پرداخته‌اند و علی‌رغم این‌که عقیده غالب این است که کودک‌همسری در دنیای سنت، یک امر پذیرفته شده و یک سنت

تلقی می شده است؛ اما مخالفان خود را در همان دوران نیز داشته است. بسامد فراوانی داده‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد از نظر متون ادبی مهم‌ترین علت این مسئله مؤلفه‌های اجتماعی، سنت و ریشه‌دار بودن آن در کالبد جامعه و بی‌قانونی بوده و به دنبال آن سایر مؤلفه‌های مذهبی، اقتصادی و سیاسی قرار داشته است. نویسنده‌گان متون، هیچ کدام زنان و دختران را به سکوت و پذیرش نمی‌خوانند بلکه آن‌ها را تشویق می‌کنند که در دفاع از حق خود تلاش کنند و در برابر این‌گونه ازدواج‌ها مقاومت نمایند. در بیشتر نمونه‌ها زنان نقش اصلی را داشته و بیشتر متون به دفاع از حقوق زنان اشاره دارند و در پی کسب جایگاهی والاتر برای آنان بوده‌اند. در این راه برخی از نویسنده‌گان و شاعران، منتقدانه‌تر و تندرورتر با این مسئله برخورد کرده‌اند.

داداشت‌ها

۱- هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلْقَةٍ ثُمَّ يُحْجِجُكُمْ طَفْلًا ثُمَّ لَتَبْلُغُوا أَشْدَادَكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شُبُوحاً وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَقَّى مِنْ فَيْلٍ وَلَتَبْلُغُوا أَجَالًا مُسْتَهَىٰ وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾

منابع و مأخذ

کتاب‌ها

قرآن کریم

استرآبادی، بی‌ی خانم، (۱۳۷۱)، معایب الرجال (در پاسخ به تأثیب النساء)، افسانه نجم آبادی،
شیکاگو: نگرش و نکارش زن.

استیرنس، پیتر، (۱۳۸۸)، دوران کودکی در تاریخ جهان، ترجمه سارا ایمانیان، تهران: اختران.
اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، (۱۳۴۵)، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ایرج افشار، تهران:
امیر کبیر.

اورسل، ارنست، (۱۳۸۲)، سفرنامه قفقاز به ایران، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم
انسانی و مطالعات فرهنگی.

ایرج میرزا، (۱۳۵۳)، تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیاکان او، به
اهتمام محمد جعفر محجوب، چ. ۳.

آخوندزاده، فتحعلی، (۱۳۹۹)، مکتوبات (نامه‌های شاهزاده کمال‌الدوله به شاهزاده جلال‌الدوله)، به
کوشش م. مقصود، ناشر نسخه الکترونیک باشگاه ادبیات.

آخوندزاده، فتحعلی، (۱۳۵۶)، تمثیلات، چ. ۳، ترجمه محمد جعفر فراجه داغی، تهران: خوارزمی.

آخوندزاده، فتحعلی، (۱۳۵۱)، مقالات، به کوشش باقر مؤمنی، تهران: انتشارات آوا.

- آدمیت، فریدون، (۱۳۴۹)، *اندیشه‌های میرزا فتحعلی خان آخوندزاده*، تهران: خوارزمی.
- آرین پور، یحیی، (۱۳۷۲)، از صبا تا نیما؛ تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی، ج ۲، چ ۵، تهران: زوار.
- بهار، محمدتقی، (۱۳۸۸)، *دیوان اشعار*، تهران: نگاه.
- بروگش، هنری، (۱۳۸۹)، سفری به دربار سلطان صاحب قران، ترجمه حسین کرد بجه، تهران: اطلاعات.
- پاتینجر، هنری، (۱۳۸۴)، *سفرنامه پاتینجر*، ترجمه شاپور گودرزی، تهران: کتابفروشی دهخدا.
- بولاك، یاکوب ادوارد، (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- تاج السلطنه، (۱۳۶۱)، *خطارات تاج السلطنه*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۸۳)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه حمید شیروانی، تهران: نیلوفر.
- تکتالدرفن، دریابل ژرژ، (۱۳۵۱)، *ایتر پرسیکوم*، ترجمه محمود تقضی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جملی کاری، جووانی فرانچسکو، (۱۳۸۳)، *سفرنامه کاری*، چ ۲، ترجمه عباس نج giovanni فرهنگی و عبدالعلی کارنگ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جونز، سرهار فورد، (۱۳۸۶)، *روزنامه سفر خطارات هیئت اعزامی انگلستان به ایران*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: ثالث.
- حاتمی، زهرا، (۱۳۹۸)، *تاریخ کودکی در ایران (از آغاز عصر ناصری تا پایان دوره رضاشاه)*، چ ۲، تهران: نشر علم.
- المانی، هانری رنه، (۱۳۳۵)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه محمدعلی فره وشی، تهران: امیرکبیر.
- دروویل، گاسپار، (۱۳۳۷)، *سفرنامه دروویل*، ترجمه جواد محبی، تهران: انتشارات گوتبرگ.
- دروویل، گاسپار، (۱۳۸۷)، *سفرنامه دروویل*، ترجمه جواد محبی، تهران: گوتبرگ.
- دلریش، بشری، (۱۳۷۵)، *زن در دوره قاجار*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۳)، *چرنک پرنک*، تهران: سازمان کتاب‌های جیبی. (دهخدا، علی اکبر، (بی‌تا)، چرنک و پرنک، معرفت).
- raig، کلارا کولیور، (۱۳۸۳)، *سفرنامه (زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان)*، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، تهران: کتابدار.
- سعدوندیان، سیروس، (۱۳۷۹)، *درآمدی بر جمعیت‌شناسی تاریخی ایران در عصر قاجار*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- سعدوندیان، سیروس، (۱۳۸۰)، عادل ابیه، شمارنقوس از دارالخلافه تا تهران ۱۳۱۱-۱۲۳۱ خورشیدی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شاردن، ژان، (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، ۵ج، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس
- شريعتمداری، علی، (۱۳۷۵)، روانشناسی تربیتی، چ ۶، تهران: امیرکبیر.
- صابر، میرزا علی اکبر، (۱۹۷۷)، هوپ هوپ نامه، ترجمه احمد شفائی، باکو: نشریات دولتی آذربایجان.
- طالبوف، عبدالرحیم، (۱۳۲۴)، مسائل الحیات، تفلیس: چاپخانه غیرت.
- طالبوف، عبدالرحیم، (بی‌تا)، مسائلک المحسنین، به همت محمد رمضانی، تهران: کلاله خاور.
- عارف قزوینی، ابوالقاسم، (۱۳۸۰)، کلیات دیوان عارف قزوینی، به کوشش مهدی نورمحمدی، تهران: سنایی.
- عاملی رضایی، مریم، (۱۳۸۹)، سفردانه به گل (تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار)، تهران: نشر تاریخ ایران.
- عبدی، شیرین، (۱۳۹۲)، حقوق کودک؛ نگاهی به مسائل حقوقی کودکان در ایران متن کامل کنوانسیون حقوق کودک، چ ۹، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- عشقی، سید محمد رضا میرزاده، (۱۳۵۷)، کلیات مصور میرزاده عشقی، چ ۸، نگارش علی اکبر مشیر سلیمانی، تهران: امیرکبیر.
- فوروکاوا، نوبویوشی، (۱۳۸۴)، سفرنامه فوروکاوا، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینیجی ئه اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قائم مقامی، عالم تاج، (۱۳۷۴)، دیوان عالم تاج قائم مقامی (زالله)، تهران: انتشارات ما.
- کراچی، روح‌انگیز، (۱۳۹۵)، خشونت مشفقاته (روایتی از مردسالاری دوران ناصری)، چ ۲، تهران: نشر تاریخ ایران.
- کرمانی، آفاخان، (۲۰۰۲)، هشت بهشت، From Bayani Digital Publications
- کرون، پاتریشیا، (۱۳۹۶)، جامعه‌های ماقبل صنعتی: کالبدشکافی جهان پیشامدرن، ترجمه مسعود جعفری، تهران: نشرماهی.
- گیلنر، آنتونی، (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- قزوینی، سید اشرف‌الدین، (۱۳۳۸)، دیوان شعر.
- مستشفی، علی، (۱۳۱۴)، ازدواج و حفظ الصحه، تهران: روشنایی.
- مستوفی، میرزا یوسف خان، (۱۳۱۸)، تریت نسوان، تهران: معارف معجز شبستری، (بی‌تا)، کلیات معجز شبستری، بی‌جا، بی‌نا.

ملکم، سرجان، (۱۳۸۰)، تاریخ کامل ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: افسون.
موریه، جیمز، (۱۳۵۴)، سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی در ایران، چ ۲، به کوشش یوسف رحیم لو،
تبریز: انتشارات حقیقت.

نجم‌الدوله، عبدالغفار بن علی محمد، (۱۳۸۴)، سه اثر از نجم‌الدوله (رساله تطبیقیه، رساله تشخیص
نقوس دارالخلافه و سفرنامه حجی)، تنظیم و تحشیه احمد کتابی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی.

واتسن، رابت گرنت، (۱۳۴۰)، تاریخ ایران دوره قاجاریه، ترجمه ع. وحید مازندرانی، تهران: سخن.
ویشارد، جان، (۱۳۶۳)، بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران: انتشارات نوین.

مقالات

اسدپور، عهدیه، کمالی، افسانه، سفیری، خدیجه، (۱۳۹۸)، «فهم مسئله ازدواج در دوران کودکی از
نگاه کودک- زنان ازدواج کرده خراسانی»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره دهم، شماره اول،
(ص ۱۶۷-۱۹۴).

اسدی، لیلا سادات، (۱۳۸۶)، «بررسی مفهوم کودک با رویکرد به حوزه کیفری»، نمایی صادق، ش ۴۵ و
۴۶، (ص ۱-۲۶).

رحمانیان، داریوش، حاتمی، زهرا، (۱۳۹۳)، «کودکی و تجدد در دوره رضاشاه»، مطالعات تاریخ
فرهنگی؛ پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، سال پنجم، شماره بیستم، (ص ۸۴-۶۱).
شبانی، احمد، (بهار ۱۳۹۶)، «کودکی زدایی در کتاب‌های درسی ابتدایی در ایران»، مطالعات فرهنگی و
ارتباطات، دوره ۱۳، شماره ۴۶، (ص ۳۷ - ۶۹).

شکری، فریده، (۱۳۸۷)، «بررسی حقوقی سن ازدواج و رشد دختران»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۴۰،
(ص ۱۵۶-۱۳۱).

عباسی سرمدی، مهدی و عهدیه زنگی اهرمی، (پاییز و زمستان ۹۴)، «بررسی سن کودک و آثار
حقوقی آن از منظر اسناد بین‌المللی»، فصلنامه فقه و حقوق خانواده (نمایی صادق)، سال بیستم، شماره ۶۳،
(ص ۴۱ - ۲۳).

لطفی، راضیه، (۱۳۹۸)، «پیامدهای سلامتی ازدواج زودرس زنان»، فصلنامه زن و بهداشت، شماره ۲،
(ص ۶۷ - ۷۹).

مقدادی، محمدمهری، جوادپور، مریم، (۱۳۹۶)، «تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و
سازوکارهای مقابله با آن»، فصلنامه حقوق پژوهشی، سال یازدهم، شماره چهلم، (ص ۳۱ - ۶۰).
موسوی بجنوردی، محمد، (۱۳۸۲)، «بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران
برای بهره‌مندی از حقوق مربوطه»، پژوهشنامه متین، ش ۲۱، (ص ۲۷ - ۶۰).

یعقوبی جویباری، فاطمه، محمدحسین شعبانی، سید ابراهیم میراحمدی، (۱۳۹۸)، «بررسی آثار و وضعیت ازدواج کودکان در فقه امامیه و حقوق ایران»، پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال ۴، شماره ۱(پیاپی: ۱۵)، (ص ۶۷-۶۱).

منابع لاتین

- Parsons, J., Edmeades, J., Kes, A., Petroni, S., Sexton, M., & Wodon, Q. (2015). Economic impacts of child marriage: a review of the literature. *The Review of Faith & International Affairs*, 13(3), (pp.12-22).
- Arthur, M., Earle, A., Raub, A., Vincent, I., Atabay, E., Latz, I., ...& Heymann, J. (2018). Child marriage laws around the world: Minimum marriage age, legal exceptions, and gender disparities. *Journal of women, politics & policy*, 39(1), 51-74.
- <https://www.unicef.org/protection/child-marriage>.
- convention on the rights of the child (20november 1989) (un.org).



دانشمند امانت نظری آنها هست اگر جان نظریه آنها

مختصر

گلپن

بو خیردا قیز نجه گپتین ارین برین سالسون
 نکذبانه دبدیم : وبرمه ، قوی هله فالسون
 نکذبان دبدی ، قیز مظہر انرا بیدر ،
 اوروج نماز او نا دوققوز یاشیندا واجبار
 اگر بوسن ده قیز بیلمبیدی هشق نادر
 او خوردی صبغه عقد هیچ او قیز ما لاقدر ؛
 آخونه تاری ، پیغمبری چوخ بیلیر با سن ؛
 دبدیم : بلی بیلدر ای نکذبان احسن
 منی چون ابلدی ساکت جواب فانوی
 طوی ابلبوب اره و بردیم قیزیم هما بونی
 اونی گیجه بولا سالدوی ولی چوخ آغالاشدق
 خوروز بانینا کیمی سویله دیک ، چوبو قلاشدیق
 گیجه نه و قندی بیلام که قابی سه سلنی ،
 نکذبان دبدی : دور آج که بنگلر گلدنی ؛
 قابی آچیلدی ؛ گلوب پنگلر اونوردی بره
 نکذ دبدی : خالاجان اولدی همان فقره ؛
 خلا و برب ب حر کت باشه بش اون دنه
 دبدی قیزیم ناغولم وارسه بش اون صاحبه
 مشاطه ال اله چون و بردی فنزه دامادی
 مشاطه چیخدی پس دا نق قابونی بالغلادی
 بش اون دفیقه که کچدی او جالدی بیناله
 زواللی قیز چنید بردنی مثال بز غاله
 چکیدی ناله دیدردنی گلون منی آبارین
 نوتورمنی ، گیدرم ابومیزه سنی تارین